یادداشت

سارا بانگ،
استفاده از تخصص دیجیتال برای اثرگذاری اجتماعی

در زندگی شما چه کسی الهام‌بخش است؟ کسی که به نوعی به موفقیت رسیده؟ شاید یک معلم کسبوکار یا یک کارآفرین نوآور؟ یا شاید نابغه سیاسی یا نویسنده‌ای بزرگ؟ برای سارا یانگ منبع الهام‌بخشی خیلی نزدیک و در خانه آنها بود: مادربزرگش انگیزه‌بخش‌ترین حضور را در زندگی او داشت.

«مادربزرگم در روستایی کوچک در چین به دنیا آمد و بزرگ شد و هیچ‌گونه دسترسی به آموزش نداشت. وقتی مسیر شغلی‌ام را شروع کردم، به این فکر افتادم که دلم می‌خواهد کاری کنم تا به افرادی مثل او کمک کنم.» البته این ندای درونی خیلی فوری به گوشش نرسید. اول باید یکسری نقطه‌ها را به هم وصل می‌کرد: «وقتی بیانیه شخصی (متنی در توصیف مهارت‌ها، تجربیات و خواسته‌ها که برای پذیرش در دانشگاه‌ها نوشته می‌شود) می‌نویسید، از خودتان می‌پرسید چه چیزی به شما انگیزه می‌دهد و من این سوال را از خودم پرسیدم. پاسخ این بود که می‌خواستم به افرادی مثل مادربزرگم کمک کنم به فرصت‌هایی که من داشتم، دسترسی داشته باشند.» این ماموریتی بود که از همان ابتدا مسیر شغلی او را شکل داد. او بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی از دوره MBA مدرسه کسبوکار لندن در سال ۲۰۱۱، راه شانگهای را در پیش گرفت و با شریک کاری خود آشنا شد و شرکت MNE را راه‌اندازی کرد. کسبوکاری مبتنی بر بازی‌سازی که اپلیکیشن‌های آموزشی برای دانش‌آموزان دبیرستان و دانشجویان تولید می‌کند.

«از وقتی دوره MBA را در مدرسه لندن شروع کردم، این ایده در سرم بود. بازی‌سازی به‌عنوان یک مفهوم در حال اوج گرفتن بود و اگر از چشم‌انداز کسبوکار نگاه کنیم، چون یک بازار در حال توسعه خوب بود. چیزی که من را متقاعد کرد این ایده را عملی کنم و به‌عنوان یک کارآفرین به من قدرت داد، این بود که فهمیدم تنها چیزی که می‌تواند شما را از قصدتان به عقب بکشد، خودتان هستید.» یانگ به‌عنوان یک زن در صنعت تکنولوژی، یاد گرفته در مواقع لازم اعتماد به نفس کافی داشته باشد تا برای رسیدن به اهدافش از دیگران کمک بگیرد: «وقتی کار در بازی‌های ویدئویی را شروع کردم، حدود ۹۰ درصد کدنویس‌ها و مهندس‌ها مرد بودند. بنابراین باید با این شرایط روبه‌رو می‌شدم و کشف می‌کردم چطور شرایط را به نفع خودم تغییر دهم.»

تغییر رویه از یک مهندس به یک کارآفرین اجتماعی ماموریتی بود که چون او شناخت کاملی از کسبوکار و رهبری آن نداشت، برای آن انگیزه پیدا کرد: «به سرعت ارتقا پیدا می‌کردم و این عالی بود، اما وقتی پروژه‌ها گاهی مسیری غیر قابل انتظار را طی می‌کردند، حس می‌کردم باید شکاف‌هایی را در مهارت‌های مدیریتی خودم پر کنم و از کسبوکار و صنعتی که در آن کار می‌کنم شناخت پیدا کنم. همین موضوع باعث شد به مدرسه کسبوکار لندن بروم. در آنجا بود که فهمیدم می‌توانم دانش و سابقه‌ام را به سوی چیزی که معنا و هدف دارد، هدایت کنم: چیزی که بتواند در زندگی مردم یک تغییر واقعی ایجاد کند.»

راه‌اندازی یک استارت‌آپ مزایای زیاد و البته چالش‌هایی دارد و خانم یانگ در طول یک دهه گذشته بالا و پایین‌های زیادی را که از ویژگی‌های سفر کاری او بوده، تجربه کرده است. کارآفرینی درس‌های زیادی برای او داشته و البته چالش‌هایی هم بود که «سخت‌ترین» سال‌های زندگی او را شکل داده است. او می‌گوید: «اداره کردن کسبوکار خودتان یک منحنی یادگیری بزرگ است و به شما آزادی و انعطاف‌پذیری لازم را می‌دهد تا تصمیم‌های هیجان‌انگیزی بگیرید. کار کردن در حوزه بازی‌سازی، شما را به مشتریان نزدیک می‌کند و در مورد کدی که می‌زنید، تجربه واقعی است. شروع کردن یک چیز از نطفه و بعد دیدن به نتیجه رسیدن آن ایده، احساس خوشایند ساده‌ای دارد. همچنین نوسانات بازار شکست‌های بدی را رقم می‌زند. یک بار موفقیتی بی‌سابقه را تجربه می‌کنید و بار بعد نمی‌دانید چطور باید برای سه ماهه بعدی تامین مالی کنید. بنابراین، درس‌های زیادی در این تجربیات وجود دارد.»

تیم یانگ چهار اپلیکیشن بازی تولید کرد که علوم اجتماعی و زبان را آموزش می‌دهند و با تعدادی از NGOها همکاری می‌کند تا پروژه‌های اجتماعی را در مناطق روستایی تایلند، کامبوج و چین اجرایی کنند. این حوزه‌ای است که علاوه بر علاقه حرفه‌ای، معنای شخصی برای او دارد. «از گشت به مدرسه و کشف ریشه‌های برخی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که دنیا با آنها مواجه است – یعنی نابرابری، بی‌عدالتی و نژادپرستی – یکی از روش‌های گرد هم آوردن افراد و کمک به بیان تجربه، ایده‌ها و افکار در مورد مرحله بعدی زندگی من است.» او در کوتاه‌مدت قصد دارد تخصص را در اختیار پروژه‌های بزرگ در میانمار قرار دهد که بر اساس آن، دولت محلی، فعالان شرکتی و تیمی متشکل از بیش از ۱۰۰ نفر برای جوامع روستایی اپلیکیشن درست می‌کنند و از طریق آن در مورد مسائل بهداشتی و حقوقی به آنها آموزش می‌دهند. او معتقد است برای اینکه بدانید نقطه عطف شما کجا است و چه زمان باید وارد مراحل بعدی کارتان شوید، باید خودتان‌گویی بسیار زیادی داشته باشید. «به‌عنوان یک کارآفرین یا تاجر، خیلی مهم است که بین هویت شخصی و موفقیت‌های حرفه‌ای خود، تمایز قائل شوید.»

برای یانگ، این یعنی باید بدانید چه زمان یک قدم به عقب برگردید؛ در مورد برخی مسائل در زندگی تجدید نظر کنید و تصمیم بگیرید برای این اتفاق حاضرید چه فداکاری‌هایی بکنید. «همه فرصت‌های جالبی که به دست آوردم، از گفت‌وگوهای برنامه‌ریزی نشده و غیرمنتظره به وجود آمده است.» البته دانستن اینکه اهداف و معیارهای اصلی شما کدامند هم مهم است. او می‌گوید: «از نظر من، موفقیت می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. اما من زمانی می‌توانم موفق باشم که بدانم اثری مثبت بر اطرافیانم داشته‌ام.»

نویسنده: آنی دوریس
مترجم: مریم رضایی

رئیس سازمان مدیریت بحران کشور ابراز نگرانی کرد؛

عدم نظارت و احتمالِ امضا فروشی در ساخت و سازها

رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، از احتمال امضاء فروشی و عدم نظارت‌های لازم در ساخت و سازها ابراز نگرانی کرد.

به گزارش پیام آشنا، اسماعیل تجار در تشت تخصصی بهسازی لرزه‌ای تسبی ساختمان‌های متداول شهر تهران که در محل سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران برگزار شد با بیان این که ما هنوز تجربه وقوع بحران در یک کلانشهر را نداریم، گفت: تهران، از جهات مختلف دارای اهمیت فراوانی شده است چرا که یک مرکز کمیتی است و حادثه‌ای تظیر بلاسکو در آن این ظرفیت را دارد تا به حادثه‌ای بین‌المللی تبدیل شود. حالا تصور کنید که اگر در همین شهر یک زلزله‌ی ۷ یا ۸ ریشتری رخ دهد. چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ بنابراین از حالا باید به فکر باشیم و آمادگی لازم را در برابر حوادث کسب کنیم.

رئیس سازمان مدیریت بحران کشور با بیان این که ۸ میلیون تهرانی تحت تاثیر زلزله‌ی احتمالی در پایتخت هستند گفت: فرض کنیم اگر زلزله‌ای بین ۷ تا ۸ ریشتر در تهران رخ دهد چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ قطعا در یک زلزله‌ای که بیشتر از ۶ و تیم ریشتر بزرگی نداشته باشد دو میلیون نفر متاثر خواهند شد و ۸ میلیون نفر نیز تحت تاثیر غیر مستقیم آن قرار می گیرند به این آمار توجه کنید این آمار نشان می‌دهد که زلزله چقدر مهم است و چقدر باید به آن توجه داشته باشیم.

رئیس سازمان مدیریت بحران تهران با بیان این که معتقد تیستم که زلزله تهران را با خاک یکسان خواهد کرد. گفت: برخی می‌گویند اگر زلزله‌ای با قدرت ۷ ریشتر و بیشتر در تهران رخ دهد این شهر با خاک یکسان می‌شود اما من چنین نظری ندارم چرا که با این حجم از سازه‌های فلزی و بتنی چنین امری بعید است. اما قطعا خساراتی وارد خواهد شد.

تجار در بخش دیگری از سخنانش به اهمیت مصالح و نظارت درست بر ساخت و ساز اشاره کرد و گفت: در زمین لرزه کرمانشاه شاهد آن بودیم که ۲ بیمارستان در این شهر نتوانست در برابر زلزله تاب بیاورد در ورزقان هم همینطور شد و بیمارستانی که هنوز افتتاح نشده بود تخریب شد. اما در همین زلزله‌ها ساختمان‌هایی بودند که هیچ آسیبی ندیدند. خب چه فرقی در ساخت و ساز این ساختمان‌ها وجود داشت. آن ساختمانها و مصالحشان از آسمان که نیامده بود. بنابراین لازم است که ما به این مسائل توجه کنیم. آیا مصالحی که ما برای ساخت و ساز استفاده می‌کنیم استاندارد است؟ چرا علی رغم آن که دانش و تجهیزات لازم را داریم اما از وقوع زلزله در تهران نگرانیم.

تجار خاطرنشان کرد: در زمین لرزه سرپل ذهاب از یک ساختمانی که تخریب شده بود بازدید کردم. آنجا متوجه شدیم که بیشترین خسارت به بختی از ساختمان وارد شده که سازنده در آن با کمبود تیرآهن مواجه شده و برای جبران این کمبود ۶ میلگرد را کنار هم قرار داده است. خب در این موارد چه کسی باید پاسخگو باشد. من معتقدم که تظلم مهندسی ما همواره باید پاسخگوی این مسائل باشد. اصلا چه کسی اجازه ساخت و بهره برداری از این ساختمان را که یک مرکز دانشگاهی بوده است را داده؟ و نظارت‌ها کجا رفته بود. متاسفانه این سوال مطرح است که آیا در برخی از مواقع امضاء فروشی می‌شود؟

تجار با بیان این که ما تیازمند قوانین بازدارنده در این حوزه در شرایطی است که سیلاب می‌تواند ما را غافلگیر کند و خسارت‌های بسیاری را بر جای بگذارد.

رضوی به روده‌خانه قرحداد نیز اشاره کرد و افزود: در منطقه قرحداد در بستر و حریم این روده‌خانه ساخت و سازهای با مجوز صورت می‌گیرد. در حالی که همه اینها تخلف است. ما از شهرداری توقع داریم که مجوز ساخت و ساز در بستر و حریم روده‌خانه‌ها را صادر نکند تا نه سازندگان گرفتار شوند و نه ما عنوان بهره‌برداران از روده‌خانه متحمل خسارت شویم. بی‌تردید اگر ما در جایی مثل کرج مجبور به راهسازی دبی آب ۱۵۰ متر مکعب شویم در پایین دست و منطقه‌ی همچون بهاران ۲میلیون نفر دچار سیل‌زدگی خواهند شد.

سیلاب در فصول بارش دارد. در طول تاریخ نیز خسارت‌ها و کشته‌های بسیاری از طغیان این روده‌خانه‌ها بر جای مانده است. رضوی تاکید کرد: بی‌تردید برای حل این معضل باید کار مشترکی میان شهرداری و آب منطقه‌ای انجام شود تا خطرپذیری در هنگام بارش در این روده‌خانه‌ها کاهش پیدا کند. ما در حوزه روده‌خانه‌ها در کلان‌شهرها دبی بازگشت ۲۰۰ ساله را باید در نظر بگیریم و در این مدت اقداماتی در جهت کاهش خطرات انجام دهیم. مدیرعامل آب‌منطقه‌ای تهران با اشاره به بروز برخی اختلافات میان آب منطقه‌ای و شهرداری تهران گفت: گاهی مشاوری از سوی شهرداری انتخاب می‌شود که آمار ارائه شده از سوی او با آمار ما متفاوت است. آنچه از سوی مشاوران ما بررسی شده، نشان می‌دهد ۳۷ مورد از ۶۴ مورد نقاط حادثه‌خیز ما در روده‌خانه کن و دربند و مقدسمحیط واقع شده است. تهران در شرایطی است که سیلاب می‌تواند ما را غافلگیر کند و خسارت‌های بسیاری را بر جای بگذارد.

مدیرعامل آب منطقه‌ای شهر تهران از وجود ۳۷ نقطه حادثه‌خیز در سه روده‌خانه کن، مقدسمحیط و دربند خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، حسن رضوی با حضور در جلسه شورای شهر تهران گفت: روده‌خانه‌هایی که در تهران و اطراف آن واقع شده‌اند، یکی از موضوعاتی است که باید در تهران به‌طور جد مورد بررسی و پایش قرار گیرد. همچنین بحث آب‌های زیرزمینی در شهر تهران و بهره‌گیری از پساب در حوزه آبیاری فضای سبز و قرونتسه‌ها نیز از موضوعاتی است که به‌عنوان دغدغه‌های ما محسوب می‌شود. وی ادامه داد: ۲۷۰ کیلومتر روده‌خانه در شهر تهران وجود دارد که این روده‌خانه‌ها انرژی زیادی برای

صدور مجوز ساخت و ساز در حریم رودخانه قرحزاد

رفتن به اضطرار

افزایش مهاجران اقلیمی با مرکزیت شمال ایران

بغض می‌ترکد حاضران؛ چشمان‌شان پراشک می‌شود وقتی تازالی عطایی از درهای محیط‌زیستی‌اش می‌گوید. از این که هر روز از بلایی که بر سر زمین می‌آورید، می‌رنجد و همین هم عاملی شده تا بخواهد فکری کند و راهش را در مهاجرت به شمال دیده. این که به شمال برود و کاری برای جامعه بومی آن‌جا انجام دهد. تفکیک زباله یادشان دهد و کارخانه بازیافت پلاستیک راه‌بیندازد تا شاید کمی از پلاستیک‌های مانده در اطراف رودها و جسبیده به شاخه‌های درختان را بتواند بازیافت کند. عطایی یکی از مهاجران اقلیمی است.

کسی که ۹سال قبل مهاجرت معکوس کرده، از تهران به مازندران رفته و خواسته سرباز آن‌جا هم نباشد و حالا با بغضی که به اشک رسیده، می‌گوید از تصمیمش راضی است. «هاید حق و مسئولیت‌مان را به محیط‌زیست ادا کنیم. در تهران این امکان نبود. مافیای زباله این‌جا گسترده است و به سختی می‌توان کاری از پیش برد، اما در مازندران وضع متفاوت است.» کارش از مدیریت پسماند شهر کلاردشت و دفت روستای اطرافش شروع شد. بعد از آن ۱۰ روستای سلمان‌شهر و سه روستای عباس‌آباد هم اضافه شدند. حالا دیگر روستاییان منطقه می‌دانند زباله باید از مبدا تفکیک شود. باید زباله‌های خشک و تر را جدا کنند و کسی هم برای بردن زباله‌های خشک می‌آیند. زباله‌هایی که به گفته عطایی در مدت کارشان از دو تن به یک تن رسیده. شهرداری و دهداری‌های روستاها همراه شده‌اند و حالا کار با راحتی بیشتری پیش می‌رود.

عطایی می‌گوید مجبور به مهاجرت نبودم، اما دیگر نمی‌توانسته در تهران هم بماند و تنها راه را در این دیده که حداقل با رفتنش کمکی به حال مردم منطقه باشد. آموزش‌هایش گسترده شده و از زنان دهدار و شهردار تا بچه‌های قدوتیم‌قد در فهرست آموزش هستند.

ماجرا برای حسین رفیعی تیز همین‌طور بوده، او هم به همراه همسر و دو دوستش‌شان راهی شمال شدند. افامنگاهی بومگردی همراه با محیط‌زیست تاسیس کردند و خواستند بر جامعه محلی اثر مثبت داشته باشند. آنها از مصالح جدید استفاده نکردند و سرمایش و گرمایش افامنگاه را به شکلی بومی به کار بردند. رفیعی می‌گوید خودشان را به محیط تحمیل نکردند. «گیلان چند سالی است محل مهاجرت خورستانی‌ها، اصفهانی‌ها و تهرانی‌هاشده. اینها درد است. چون فقط می‌آیند. دقدقه حفظ محیط جدید ندارند و در نتیجه هر روز این خاک ویرانی بیشتری را تجربه می‌کند. گیلان دومین استان مهاجرپذیر کشور شده است. جنگل‌ها را می‌تراشند و زمین‌ها را تغییر کاربری می‌دهند تا ساختمان جدید بسازند و هیچ مسئولی هم به فکر تیست.»

روستاییان زمین‌هایشان را فروخته و بی‌زمین راهی شهر شده‌اند و شغل کاذب دارند. هیچ آموزشی در این سال‌ها در کار نبوده که کشاورزی و دامپروری ادامه پیدا کند. «اگار باید برای ۸۰ میلیون ایرانی در گیلان جا باشد تراکم جمعیت بالا رفته و تبعات فرهنگی-اجتماعی‌اش هم در آینده زیاد خواهد بود. مسئولان در این سال‌ها به مشکل مهاجرت اقلیمی توجهی نکرده و مسائل را به شکلی کلان مورد توجه قرار نداده‌اند. به همین خاطر متکل از جایی به جای دیگر منتقل شده است.»

او می‌گوید بارها از مسئولان گیلان خواسته کاری کنند و آنها گفتند مردم خودشان کارهایی از این دست تیستند. «سرمایه‌گذار آوردند و در بختی از گیلان منطقه آزاد را، اداختند و به جای راه‌اندازی کارگاه و استفاده از توان محلی باسازاسختند. باسازاهایی که متوزیبیشتر خالی است. چون مردم دیگر پول ندارند.»

برای او و دوستانش که گیلان خاطه‌شان شده، ماجرای دیوی زباله هم جدی است. این که همچنان کسی فکری به حال کوه ۸۰ متری زباله در جنگل سراوان نمی‌کند و مردم در پایین‌دست جنگل به معنای واقعی بدبخت شده‌اند. کسانی که حتی زمین‌شان خریدار هم ندارد. با این تفاوت که حتی زمین‌شان خریدار هم ندارد. کسی دوست ندارد پشت‌بیشت کوه زباله ویلا بسازد و آخر هفته‌هایش را در جایی بگذرند که زمین‌های کشاورزی‌اش به خاطر شیرابه زباله خشک شده است.

مهاجرت و دشواری تغییر اقلیم

آمارها هنوز درباره مهاجران اقلیمی به‌نتیجه‌نرسیده‌اند. فقط می‌دانیم هر لحظه در جای‌جای دنیا عده‌ای بار بر دوش می‌شوند و زندگی‌شان را در سا کی خلاصه می‌کنند تا زمین سفت و سختی که در آن ساکن بودند، رها کنند و به جایی بروند که طبیعت ملایم‌تر باشد و مهربان. جایی که زندگی روی خوش به آنها تبسّم دهد. حالا این وضع در ایران آن‌قدر در چشم است که روستاهایی از مرکز و جنوب خالی از سکنه شده‌اند و شمال میزبان خیل عظیمی از مردمی است که فرار را بر قرار ترجیح داده‌اند و می‌خواهند زندگی را از تو هرچند باسختی‌ساز دهد ماتیاشفاعی مدیر مجله محیط‌زیستی ستوبر در این میان به «تبال مهاجرتی رفته که با مهاجرت‌شان باری بر دوش جامعه مبدا نبوده‌اند. زنان و مردانی را یافته که خسته از شهرهای بزرگ راهی شمال کشور شده‌اند و می‌خواهند کاری برای جامعه بومی از پیش برند. شرح حال خانم عطایی و ریحانه و فرهاد و فروغ و جلوه و حسین همگی یکی است. آنها از در ساختار اجتماعی بالاست. سازمان آمار هم می‌گوید همواره مهاجرت‌های ما اقتصادی-اجتماعی بوده‌است.»

تگاه به کار در شهرهای ایران آماتور بود و عموما هم براساس تقسیم کار بین‌المللی انجام می‌گرفت. صنایع فولاد، آلومینیوم، خام‌فروشی نفت و... همگی به دلیل وجود کارگر ارزان دانه پیدا کردند و وقتی طبیعت به شکل کالا درآمد، بدون آن‌که پاسخگو باشیم، روند این خام‌فروشی‌ها افزایش پیدا کرد: «ما فقط رشد اقتصادی در نظرمان بوده و توجه نشد که رشد عامل رفاه و توسعه تیست. این تبارابری عامل افزایش مهاجرت بوده‌است. در چند سال گذشته این اتفاقات رتگ‌وپوی محیط‌زیستی هم گرفته و عوارض محیط‌زیستی تازه عیان شده‌اند.»

اما جعفری معتقد است باید بین مهاجرت اختیاری و اضطراری تفاوت قایل بود و در ایران به جز در چند مورد خاص مجزو دچار اضطرار نشده‌ایم. «مهاجرت‌های سیستان-خراسان، همدان، اصفهان و کرمان معلول بی‌آبی بوده‌اند که بر کشاورزی و تنها محل درآمد افراد منطقه اثر گذاشته‌اند. این کشاورزی در اثر برداشت بی‌رویه و بی‌آبی دچار متکل شده است. سفرهای زیرزمینی بیش از حد مورد برداشت قرار گرفته و در این صورت وارد روندی بی‌برگشت می‌شویم و با از دست دادن سفرها با برگشت دوره تر سالی هم تمی‌توانیم جبران کنیم.»

آن‌چه زندگی مهاجران اقلیمی را بیش از پیش در خود حل کرده، وابستگی‌شان به آب و خاک است. ۵۰درصد جمعیت روستایی کشاورزند و این آمار آسیب‌پذیری ما از خشکسالی را نشان می‌دهد. تولیدات کشاورزی در ۴۰سال گذشته ۶ برابر شده که این اتفاق بدون فشار بر زمین و منابع آبی ممکن نبوده است. «برای همین باید بگوییم مهاجرت‌های فعلی که مهاجرت اقلیمی که مهاجرت تلاشی از: ازپیش‌رفتن معیشت و اشتغال وابسته به کشاورزی است. این درحالی است که راه‌های فراوانی برای معکوس‌کردن شرایط و سازگاری با اقلیم وجود دارد که تاندید گرفته می‌شوند.» به توجهی به اقلیم آن‌قدر بوده که صنایعی چون مس و آلومینیوم که به آب نیاز متدند، در مرکز ایران راه‌اندازی شده‌اند و حالا که هرچه آب به منطقه منتقل کردمایم، نتیجه نداده، طرح انتقال آب دریای خزر مطرح شده است. «برمتی ایتجاست که راه دیگری برای توسعه وجود ندارد؟ حتما هست. اما توجهی به آن تمی‌شود.»

بی‌توجهی به انسان و محیط‌زیست در توسعه عاملی که در این سال‌ها همه‌چیز را به وخامت گذارد. رویکردهایی که انسان در آن جایی نداشته باعث شده فقر، تابرابری و حاشیه‌نشینی گسترده شود. تفاوت‌های عمده میان تهران و کلانشهرهای دیگر و فرق میان کلانشهرهای مختلف با هم و درنهایت با شهرستان‌ها و روستاها زندگی را برای آدم‌ها سخت کرده و همین‌ها انگیزه مهاجرت اقلیمی است. آدم‌هایی خواهندتا از تخلی موجود فرار کنند از سختی زندگی در اقلیمی خشک و آلوده. می‌خواهند مهاجران اقلیم جدید شوند. تا شاید زندگی روی خوشش راتنشان شان دهد.

فروغ فکری

معیوبی می‌گویند که آدم‌ها در آن چون مهره‌های بازی مجبور به جابه‌جایی هستند و آنها هم جابه‌جا شدند. شفاعی در شب «مهاجران اقلیمی» که به همت علی دهباشی و در راستای شب‌های بخارا برگزار شد از تغییر دشواری که مهاجران در آن می‌گذارد، گفت: از این که مهاجران اقلیمی برای یقا مجبور به مهاجرت شده‌اند، متاطق مهاجرپذیر آسیب دیده و متاطق مهاجرفرست هم خالی و تنها مانده‌اند و میهمانتان تیز همدرد با او از درد مهاجرت اقلیمی گفتند. از تازالی عطایی تا محمدرضا جعفری که همه‌شان نه فقط از درد امروز که از درد فردا‌ها گفتند. فریایی که البرایت کلوبرت در کتاب اقفراض شتم دربارهاش می‌تویسد: «ساده است فراموش کنیم که زندگی امروز ما می‌تواند بختی از تاریخ باشد.» او می‌گوید بتر به شیوه بی‌رحمانه‌ای شروع به سنگ‌فرش‌کردن زمین کرده است و اگر روند فعالیت انسان‌ها همین‌طور ادامه یابد، اقفراض در راه خواهد بود.

زندگی دشوار وابستگان به خاک و آب

خورستان جولپاب‌شان کرد. برای آن‌که پدر زنده بماند، مجبور شدند به شیراز مهاجرت کنند. ماجرای مهاجرت‌هایی از این دست که در یک جمله هم می‌توان توضیحش داد: نه فقط برای محمدرضا جعفری؛ پژوهشگر محیط‌زیست که در سال‌های اخیر برای خیلی‌ها رخ داده است. هرچند خورستان در سال ۹۶ عنوان نخستین استان مهاجرفرست کشور را از آن خود کرد. اما عاملی تتد تا جعفری این پرسش اساسی را مطرح تکند که آیا اصلا در ایران مهاجرت اقلیمی داریم یا خیر؟ او مهاجر خاک خسته خورستان به شیراز و بعدها تهران شد و حالا می‌گوید باید به ریشه‌ها توجه کرد و مسأله را سطحی تدید: «برای مثال ما در دهه ۲۰ شمسی: جمعیت روستاییان‌مان ۷۰درصد بود که این جمعیت درحال حاضر ۲۰درصد است. این سیر مهاجرت از روستاها از دهه ۴۰ شروع شد و با اصلاحات ارضی و مدرنیزاسیون شکافی بین شهر و روستا اتفاق افتاد و اختلاف دستمزدی و کار موجود عاملی شد افراد به شهرها بیایند. تقش عوامل اقتصادی و رفاهی

اخبار گردشگری

اینفلوئنسرهای چینی در ایران

گروهی از اینفلوئنسرهای چینی به میزبانی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و با همکاری سفارت ایران در پکن یا سفر به ایران از جاذبه‌های گردشگری و تاریخی کشورمان بازدید کردند.

به گزارش پیام آشنا، این سفر شش‌روزه با همراهی حسین خانمی، نماینده اطلاع‌رسانی گردشگری ایران در چین در مهر ماه آغاز شد و گردشگران چینی از شهرهای کاشان، اصفهان، شیراز و تهران بازدید کردند. این سفر که به پیشنهاد سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر پکن و با اقدامات وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی انجام خورده، گام جدیدی در حضور قونتوهای اینفلوئنسرهای چینی در ایران است. شو لی، فیلم‌ساز و نویسنده ۱۲میلیون دنبال‌کننده و چین‌تک، نویسنده و معلون شبکه ماهواره‌ای هنگ‌کنگ ۴میلیون دنبال‌کننده در شبکه اجتماعی ویبو دارند.

این دو گردشگر طی حضور در ایران عکس‌ها و فیلم‌هایی از سفر خود تهیه کرده و به اشتراک گذاشتند. نکته قابل توجه در سفر گروه گردشگران چینی به ایران استقبال آنان از صنایع‌دستی و هنرهای سنتی و توجه ویژه به مهمان‌نوازی و فرهنگ متنوع شهرهای مختلف کشور و شکوه و عظمت آثار فرهنگی و تاریخی گشوده‌اند بود.

شو لی، فیلم‌ساز و نویسنده چینی درباره تجربه سفر به کشورمان، گفت: «ایران بتانسیل‌های فیلم‌سازی متنوعی دارد و به دلیل وجود نیروی کار ارزان، تخصص و شهرت سینمای این کشور در دنیا می‌تواند بازار خوبی به‌معنظور تولید فیلم برای کشور چین باشد.» شو لی که در نظر دارد کتابی با عنوان ایران در چین بنویسد، در پایان ابراز امیدواری کرد بتواند فیلم‌نامه‌های خوبی را با موضوعات مختلف در ایران دریافت و با سرمایه شخصی تولید کند. بازار فیلم چین یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهانی و مورد توجه فیلم‌سازان دنیاست.

آپشن گردشگری به سرمایه‌گذار خارجی

جذب سرمایه یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های هر کشوری برای رونق بخشیدن به چرخه‌های اقتصادی مختلف محسوب می‌شود که یکی از آنها جذب سرمایه‌گذاران خارجی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از همین رو ایران نیز همانند سایر کشورهای جهان در حوزه گردشگری خود به جذب سرمایه‌گذاران خارجی اقدام کرده که در همین راستا و جهت ایجاد اعتماد بیشتر به تضمین اصل سرمایه سرمایه‌گذاران خارجی پرداخته است.

به گزارش پیام آشنا، حسین ارایلی، معاون سرمایه‌گذاری، امور حقوقی و مجلس وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در نشست خبری روز گذشته گفت: برای جذب و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی راه‌های تشویقی قابل توجهی را با تنفیح و تغییر قوانین در نظر گرفته‌ایم که یکی از آنها علاوه بر ایجاد قوانین تسهیل جهت سرمایه‌گذاری، تضمین اصل سرمایه سرمایه‌گذاران خارجی است زیرا با توجه به تبلیغات منفی و دروغینی که از ایران شده است یک نوع نگرانی در میان سرمایه‌گذاران خارجی شکل گرفته که برای از بین بردن این ترس و ترازتخه میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی دست به کار شده و اکنون اصل سرمایه سرمایه‌گذاران را تضمین می‌کند به‌طوری که هر زمان که تمایل داشته باشند می‌توانند اصل سرمایه خود را از بخش گردشگری ایران دریافت کنند.

وی درخصوص حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه گردشگری افزود: سرمایه‌گذاران خارجی طی دو سال گذشته معادل یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار در حوزه گردشگری ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند که این سرمایه‌ها در بخش‌های متنوعی همچون هتل، ساخت مجتمع‌های گردشگری و استارت‌آپ‌ها بوده است. معاون سرمایه‌گذاری امور حقوقی و مجلس وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ضمن اشاره به اینکه در حال حاضر بیش از دو هزار و ۴۰۰ پروژه گردشگری در کشور در حال اجرا است که ارزش آن حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود، علاوه بر آن در دولت یازدهم تنها ۱۱ هتل پنج ستاره ساخته شده بود که با رشد ۴۰۰ درصدی در سرمایه‌گذاری این بخش در دولت دوازدهم ۴۴ هتل پنج ستاره به بهره برداری رسیده است.

وی گفت: با وجود اینکه از نظر اقتصاد گردشگری ایران رشد قابل توجهی داشته است اما همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ما در این حوزه نگرش حاکمیت است؛ زیرا هنوز ذهن مجموعه‌های حاکمیتی و مدنی در جستجوی درآمدهای نفتی است در صورتی که باید ذهنیت و نگاه افراد نسبت به گردشگری کاملا مثبت شود؛ زیرا گردشگری تنها حوزه‌ای است که علاوه‌مندان آن می‌توانند با کمترین سرمایه ایجاد اشتغال کنند به‌طوری که در حال حاضر افراد می‌توانند تنها با ۵۰ تا ۷۰ میلیون تومان یک فامنگاه بوم‌گردی و... راه‌اندازی کنند. این صنعت می‌تواند به لحاظ ارزآوری جایگزین نفت شود وی در راستای سفر ارزان و راهکار افزایش سفر تصریح کرد طبق تفاهم‌نامه‌ای که با بانک گردشگری در راستای سفر ارزان امضا کرده‌ایم این بانک ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه جهت تامین زیر ساخت‌های لازم برای «سفر ارزان» و ۵۵۰ میلیارد تومان جهت ارائه وام سفر به خانوارهای ایرانی اختصاص داده تا با رونق گرفتن «سفر ارزان» چرخه اقتصاد گردشگری نیز فعال شود.

۳/۷ میلیون مسافر در ۶ ماه اول ۹۸ در جزیره قشم

در ۶ ماه نخست سال ۹۸، سه میلیون و ۳۲۰ هزار و ۵۲۹ مسافر از مبادی قشم، قرقوآمد کردند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن ۳ درصد افزایش داشته است.

به گزارش پیام آشنا، حسین سعیدی، مدیرکل گمرک قشم گفت: این مسافران از ورودی و خروجی‌های گمرکی قشم شامل اسکله‌های شهید تاکری، بهمن، لافت، مرگهان، پُهل و فرودگاه قشم تردد کرده‌اند. سعیدی افزود: تاایتدای مهرماه امسال ۴۴۹ هزار و ۸۶۶ دستگاه خودرو شامل کامیون، اتوبوس، وانت و سواری از طریق اسکله لافت و پهل عبور کرده‌اند که در مقایسه با سال قبل ۴ درصد رشد داشت. وی ادامه داد: در همین مدت ۳۷۱ تن کالا به ارزش بیش از چهار میلیون و ۳۲۴ هزار دلار زیر پوشش رویه ورود موقت از گمرک قشم وارد سرزمین اصلی شد. سعیدی با اشاره به ثبت ۳۱۱۱ قفره اظهارنامه ورود موقت خاطرنشان کرد: کانتینرهای خالی به مدت ۶ ماه و خودروهای سواری ساکنان جزیره قشم به مدت یک ماه به سرزمین اصلی ورود موقت شدند. جزیره قشم به وسعت ۱۵۰۰ کیلومتر مربع، دارای جاذبه‌های مختلف گردشگری از جمله غارهای خوربس، غار نمکی، جنگل‌های دریایی حرا، جزایر نازک، خلیج دلفین‌ها، دره ستاره‌ها، تنگه و دره جاهکو و باغ قشم است.

همچنین سواحل زیبا، قله پرتقالی‌ها، موزه زئوپارک، سایت تخم گذاری لاک‌پشت‌های پوزه عقابی، چاه‌های لنگ، غار موزه لنجسازان روستای گوران و یادگیری‌های بندر تاریخی لافت از دیگر جاذبه‌های گردشگری جزیره قشم است. قلمرو زئوپارک قشم ۲ هزار و ۶۰ کیلومتر مربع شامل جزیره‌های قشم و هرمز به ۳۰۰ متر مرز حاشیه دریایی این جزایر و خلیج دیوستان است. این زئوپارک دارای ۲۷ سایت متنوع و اصلی است و در مجاورت جنگل‌های حرا واقع در شمال جزیره قشم قرار دارد که دارای پنج عنوان تالاب بین‌المللی، ذخیرگاه زیست کره، منطقه حفاظت‌شده، منطقه ویژه دریایی و منطقه ویژه پرندگان است. این زئوپارک تنوع عظیمی از چشم‌اندازهای زمین‌شناسی در کنار تنوع سایت‌های مختلف را ارائه می‌کند و علاوه‌بر آن، تنوع اکولوژیکی، باستان‌شناسی و فرهنگی خاصی دارد.